

# خلق الإنسان وبث النفس في الجسم:

## آفرینش انسان و دمیدن نفس در جسم

الله سبحانه وتعالى بدأ خلق آدم في السماء الأولى (سماء الأنفس)، ولكن لكي يكون آدم وذريته مؤهلين للنزول إلى الأرض والاتصال بالأجساد، فلا بد من رفع الطينة للسماء الأولى وخلق نفس آدم (عليه السلام) وبقيّة الناس منها، فهذا أمر ضروري؛ حيث إن الروح بثت في هذه الطينة المرفوعة وأصبحت هذه الطينة المرفوعة هي آلة اتصال الروح بالجسد، فالروح لا يمكن أن تمس الجسد لأنهما في - ومن - عالمين مختلفين وبينهما عوالم، فكان لا بد من وجود آلة لها وجود في كل مراتب التدرج والعوالم بين السماء الجسمانية والسماء الأولى وعندما يرفع الجسم يكون له هذه المراتب فله أن يتحرك ضمن حدودها. وهكذا، فالطينة التي رفعت (وهي تمثل كل ما في الأرض) أصبح لها هذا المجال في الحركة بين عالمي الأجسام والأرواح، أو لنقل: بين عالم الأجسام عند بداية السماء الأولى وصولاً للتماس بالسماء الثانية، أو لنقل: عالم الأرواح عند بداية السماء الثانية (سماء الروح، والجنة الملكوتية).

خداوند سبحان و متعال آفرینش آدم را در آسمان اول، در آسمان آنفس، آغاز نمود؛ ولی برای این که آدم و فرزندانش قابلیت این را داشته باشند که به زمین فرود بیایند و به اجساد متصل شوند، باید گل، تا آسمان اول بالا برده شود و نفس آدم (ع) و سایر مردم از آن آفریده شود. این موضوع ضروری است؛ از این جهت که روح، در این گل مرفوع دمیده شد و این گل، ابزار اتصال روح با جسد شده است. امکان ندارد که روح با جسد تماس داشته باشد؛ به این خاطر که آن دو، در دو عالم مختلف و از دو عالم متفاوت هستند که بین آن دو عوالمی است. پس باید ابزاری باشد که در همه‌ی مراتب و جایگاه‌های واسطه و عوالم بین آسمان جسمانی و آسمان اول، وجودی داشته باشد و زمانی که جسم مرفوع می‌شود، بتواند در این جایگاه‌ها قرار گیرد و بتواند بین آنها در حرکت باشد.

پس گلی که مرفوع شده است، که جلوه‌ی همه‌ی چیزهایی است که در زمین است، امکان حرکت بین عالم اجسام و ارواح را یافته است؛ یا بگوییم: بین عالم اجسام، در آغاز آسمان اول تا رسیدن به نقطه‌ی تماس با آسمان دوم، یا عالم ارواح در آغاز آسمان دوم، آسمان روح و بهشت ملکوتی.

أيضاً: كانت بداية خلق آدم من طين الأرض ومائها؛ لتحمل نفسه التي ستخلق في السماء الأولى ما في الأرض من قوة وشهوة تؤهله للتكاثر وللعيش في كل بقعة على الأرض وتؤهله ليهيمن على الأرض، فأخذت الملائكة بأمر من الله سبحانه شيئاً من تراب وماء الأرض ورفع إلى السماء الأولى وصب منه جسم آدم اللطيف في السماء الأولى ووضع في الجنة الدنيوية، أي في نهاية السماء الأولى أي في باب السماء الملكوتية (السماء الثانية)، وهي أولى الجنان الملكوتية تمر عليه الملائكة.

همچنین آغاز آفرینش آدم از گِل زمین و آب آن بود؛ تا نفس او که به زودی در آسمان اول آفریده می‌شود، قوت و شهوت را حمل کند که او را آماده‌ی بسیار شدن و زندگی در همه‌ی مناطق زمین کند و او را آماده کند تا بر زمین مسلط شود. فرشتگان به دستور خداوند سبحان، مقداری از خاک و آب زمین را گرفتند و به آسمان اول بالا بردند و از آن، طرح جسم لطیف آدم در آسمان اول ریخته شد و در بهشت دنیوی، در انتهای آسمان اول قرار داده شد. یعنی در درب آسمان ملکوتی، یا آسمان دوم که اولین بهشت ملکوتی است که فرشتگان از آن عبور نمودند.

عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام) قال: «كانت الملائكة تمر بآدم (عليه السلام) أي بصورته وهو ملقى في الجنة من طين فتقول: لأمر ما خلقت» ([772]).

امام صادق (ع) فرمود: (فرشتگان از آدم (ع) عبور می نمودند. یعنی از صورت و تصویر او؛ در حالی که او در بهشت قرار داده شده بود و از گل بود. و می گفتند: برای چه آفریده شده‌ای؟). [773]

أي ملقى في الجنة الموجودة في السماء الأولى.  
یعنی در بهشت موجود در آسمان اول قرار داده شده بود.

قال الباقر (عليه السلام): «فخلق الله آدم فبقي مصوراً يمر به إبليس اللعين فيقول: لأمر ما خلقت» [774].

امام باقر (ع) فرمود: (خداوند آدم را آفرید. او به صورت تصویری بود. تا این که ابلیس ملعون از او عبور می کرد و می گفت: برای چه آفریده شده‌ای؟).

(فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى) [طه: 117].  
«پس گفتیم: ای آدم در حقیقت، این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است. زنهار تا شما را از بهشت بیرون نکند تا تیره‌بخت گردی» [775].

ثم لما تهيأت الأرض لاستقبال آدم (عليه السلام) خليفة الله، نفخ الله روح الإيمان في جسد آدم المثالي الموجود في السماء الأولى، فتكونت النفس الإنسانية الأولى كما في قوله تعالى: (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ.....)، وقوله تعالى: (وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ) وهي في مرتبة عالم الأنفس أو السماء الأولى. ثم نفخ في آدم روح القدس كما في قوله تعالى: (..... وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)، وقوله تعالى: (ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ) أي صورناكم على صورة الله كما في التوراة:

سپس وقتی زمین برای پذیرایی و استقبال از آدم (ع)، خلیفه‌ی خدا آماده شد، خداوند روح ایمان را در جسد مثالی آدم که در آسمان اول قرار داشت، دمید. در نتیجه اولین نفس انسانی به وجود آمد؛ همان طور که در سخن خداوند متعال

است: «... پس وقتی آن را درست کردم» و سخن خداوند متعال: «و شما را آفریدیم» این در مرحله‌ی عالم نفس‌ها در آسمان اول است.

سپس روح‌القدس در آدم دمیده شد، همان‌طور که در سخن خداوند متعال است: «... آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم» و سخن خداوند متعال: «سپس به صورت‌گری شما پرداختیم» یعنی شما را به تصویر و صورت خداوند درآوردیم؛ همان‌طور که در تورات است:

«26 وقال الله نعمل الإنسان على صورتنا كشبهنا» [776]، «27 فخلق الله الإنسان على صورته. على صورة الله خلقه ذكرا وأنثى خلقهم» [777].  
(و خداوند فرمود: انسان را به صورت خودمان و مشابه خودمان به عمل می‌آوریم). [778]

خداوند انسان را به صورت و تصویر خودش آفرید. او را به صورت خداوند و مذکر و مونث آفرید). [779]

وفي الرواية:  
در روایت است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَمَّا يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ فَقَالَ: هِيَ صُورَةٌ مُخْتَلَفَةٌ مَخْلُوقَةٌ وَاصْطَفَاهَا اللَّهُ وَاخْتَارَهَا عَلَى سَائِرِ الصُّورِ الْمُخْتَلَفَةِ فَأَضَافَهَا إِلَى نَفْسِهِ كَمَا أَضَافَ الْكَعْبَةَ إِلَى نَفْسِهِ وَالرُّوحَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ: "بَيْتِي" "وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي" [780].

محمد بن مسلم گوید: (از امام باقر(ع) در مورد روایت «خداوند انسان را به صورت خودش آفرید.» پرسیدم. ایشان فرمود: آن صورت و تصویر ایجاد شده بود و آفریده شده بود و خداوند آن را برگزید و آن را از میان بقیه‌ی صورت‌های مختلف

انتخاب نمود و آن را به خودش افزود، همان طور که کعبه و روح را به خودش اضافه کرد. فرمود: **بَيْتِي (خانه‌ام) «و از روح خود در او دمیدم».** [781]

**فَأَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ كَمَا فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ)**، وقوله تعالى: **(ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ)**، فسجد من سجد وتكبر من تكبر فطرد. خداوند به فرشتگان دستور داد که به او سجده کنند، همان طور که در سخن خداوند متعال است: **«برایش به سجده در افتید»** و سخن خداوند متعال: **«سپس به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید»** فردی که سجده کرد، سجده کرد و فردی که تکبر نمود، تکبر نمود و رانده شد.

**(فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ)** [الحجر: 29].

**«پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده در افتید»** [782].

**(وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ)** [الأعراف: 11].

**«و در حقیقت شما را خلق کردیم. سپس به صورتگری شما پرداختیم. آنگاه به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس [همه] سجده کردند، جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود»** [783].

**ومن ثم إن الله سبحانه وتعالى خلق نفس حواء (عليها السلام) من نفس آدم (عليه السلام) [784]**، قال تعالى: **(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا)** [النساء: 1] [785].

از این جا بود که خداوند سبحان و متعال، نفس حوا(س) را از نفس آدم (ع) آفرید. [786] خداوند متعال فرمود: «ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید. و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید، پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید، که خدا همواره بر شما نگهبان است» [787].

[788]

عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام) قال: «إن الله تعالى خلق آدم من الطين وخلق حواء من آدم» [789]،  
امام صادق (ع) فرمود: (خداوند متعال آدم را از گل آفرید و حوا را از آدم آفرید).  
[790]

ومن ثم أخرج ذريتهما وامتحنهم جميعاً الامتحان الأول في عالم الذر (عالم الأنفس)، وكان الامتحان بسؤال واحد: (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) [الأعراف: 172]، والآية واضحة (وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ) أي أنه كان عالم أنفس، فالمتقدم في الامتحان والفائز في السباق هو من يرى ويسمع أولاً ويجيب أولاً.

پس از آن، فرزندان آن دو را بیرون آورد و همگی را در امتحان اول، در عالم ذر یا عالم انفس امتحان نمود و امتحان با یک پرسش بود: «و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه ی آنان را برگرفت و ایشان را بر نفس هایشان گواه ساخت، که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: چرا، گواهی دادیم. تا مبادا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم» [791]. آیه روشن است؛ «و ایشان را بر نفس هایشان گواه ساخت» یعنی در عالم انفس بود. کسی در این امتحان پیشی می گیرد و در مسابقه پیروز می شود که اول ببیند و بشنود و اول پاسخ دهد.

ولما انتهى هذا الامتحان، شاء الله أن يتم ما كان في علمه من انزال آدم (عليه السلام) إلى الأرض وامتحانه فيها، فحصل امتحان آدم (عليه السلام) في السماء الأولى (الجنة الدنيوية) وفشل في الامتحان كما كان مقدرًا له، (فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى) [طه: 121]، فأنزل إلى الأرض هو وأما حواء (صلوات الله عليهما) ورزقنا الله شفاعتهما في الدنيا والآخرة.

وقتی این امتحان به پایان رسید، خداوند خواست تا فرو فرستادن آدم (ع) به زمین و امتحانش در زمین را که در علمش بود، به انجام رساند. پس امتحان آدم (ع) در آسمان اول یا بهشت دنیوی، اتفاق افتاد و همان گونه که برایش تقدیر شده بود، در امتحان شکست خورد. «آنگاه از آن خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ های بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت» ([792]). ایشان و مادر ما حوا، به زمین فرود آمدند. درود خداوند بر این دو و خداوند شفاعت این دو را در دنیا و آخرت، روزی ما نماید.

والنص القرآني واضح أن آدم وحواء خلقا وعاشا ابتداءً في الجنة الموجودة في السماء الأولى، وهي جنة دنيوية ولكنها ليست في الأرض بل في السماء الأولى أو عالم الأنفس:

نص قرآنی روشن است که آدم و حوا در آغاز، در بهشت موجود در آسمان اول آفریده شدند و زندگی کردند. این بهشت دنیوی است. ولی در زمین نیست. بلکه در آسمان اول یا عالم نفس هاست:

قال تعالى: (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ) [البقرة: 35].

خداوند متعال فرمود: «و گفتیم ای آدم، خود و همسرت در این باغ سکونت گیر [ید] و از هر جای آن خواهید، فراوان بخورید و [لی] به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود» [793].

وقال تعالى: (وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ) [الأعراف: 19].  
خداوند متعال فرمود: «و ای آدم، تو با جفت خویش در آن باغ سکونت گیر و از هر جا که خواهید بخورید و [لی] به این درخت نزدیک مشوید، که از ستمکاران خواهید شد» [794].

وقال تعالى: (فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى \* إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى \* وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى \* فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى \* فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى) [طه: 117 - 121].

خداوند متعال فرمود: «پس گفتیم: ای آدم در حقیقت، این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است. زنهار تا شما را از بهشت بیرون نکند تا تیره‌بخت گردی. در حقیقت برای تو در آن جا این [امتیاز] است که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی. و [هم] این که در آن جا نه تشنه می‌گردی و نه آفتابزده. پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمیشود راه نمایم؟ آن گاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ‌های بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت» [795].



فالأيات واضحة أن آدم (عليه السلام) لم يكن أرضياً، ولم يخلق في الأرض ابتداءً بل في الجنة في السماء الأولى، وهي غير جنة الخلد (فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى)، وهذه الجنة ليست كالأرض التي يمكن أن يجوع فيها الإنسان ويعرى ويعطش ويضحي وتؤذيه الشمس والظروف الجوية إذا لم يعمل ويجمع الثمار أو يزرع ويصيد أو يربي الحيوانات ويتخذ احتياطاته لدفع الضرر، إذن هي شيء آخر غير أرضي.

در این آیات روشن است که آدم (ع) زمینی نیست؛ و در ابتدا در زمین آفریده نشده است؛ بلکه در بهشت در آسمان اول بود و این غیر از بهشت جاودانی است. «زنهار تا شما را از بهشت بیرون نکند تا تیره‌بخت گردی» این بهشت، مانند زمین نیست که اگر انسان در آن کار نکند، و میوه نچیند و کشاورزی نکند و حیوانات را شکار نکند یا آن‌ها را پرورش ندهد و برای از بین بردن زیان، نکاتی را رعایت نکند، دچار گرسنگی و برهنگی و تشنگی و آفتاب‌زدگی می‌شود و خورشید و شرایط جوی او را آزار می‌دهد؛ بنابراین این بهشت، غیرزمینی است.

ثم لننظر إلى حال آدم المميز في هذه الآيات، وهل يتناسب مع حال الأرض والأجسام فيها، فجسم الإنسان الأرضي إذا لم يغط جزءاً منه باللباس سيكون مكشوفاً وأكيداً يراه صاحبه ويراه غيره، ولو كان آدم يلبس لباساً أرضياً فإن هذا اللباس الأرضي لا يصبح معدوماً عندما يعصي الإنسان الله، فلو كان آدم وحواء في الأرض وكانا عاريين من البداية لانتبها إلى حالهما منذ البداية وليس عند المعصية، ولو كانا في الأرض ويلبسان ملابس فلا تختفي عنهما بمجرد المعصية.

سپس به حالت متفاوت آدم در این آیات دقت کنیم که آیا با حالت زمین و اجسام در آن متناسب است؟ اگر بخشی از جسم زمینی انسان با لباس پوشیده نشود، آشکار می‌شود و قطعاً فرد همراه و دیگران آن را می‌بینند. اگر آدم لباس زمینی می‌پوشید، با عصیان و سرپیچی انسان در برابر خداوند، از بین نمی‌رفت. اگر آدم و حوا در زمین بودند و از آغاز برهنه بودند، از آغاز متوجه وضعیت

خودشان می‌شدند، نه هنگام معصیت. و اگر در زمین بودند و لباس‌هایی می‌پوشیدند، به صرف معصیت از ایشان پنهان نمی‌شد.

إذن، فالأمر ليس أرضياً والقصة ليست أرضية، فالأمر كما يذكره الله في القرآن لا يتناسب مع حال الأرض ومن فيها أبداً، بينما لو كان آدم وحواء عند المعصية في الجنة الدنيوية في السماء الأولى فمن الطبيعي أن تبدوا لهما سوءاتهما عندما يعصيان وليس قبل ذلك؛ لأن اللباس الذي يستر العورة هناك هو لباس التقوى وهو لباس تلبسه النفس كنتيجة طبيعية لطاعة الله ومخالفة الهوى والشيطان، ولباس التقوى أهم وأفضل من لباس الجسد؛ لأن الله ينظر لنفس وروح الإنسان وما تلبس وليس إلى جسد الإنسان وما يغطيه (يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ) [الأعراف:

[26].

بنابراین موضوع زمینی نیست و داستان به زمین مربوط نمی‌شود و همان طور که خداوند، این موضوع را در قرآن ذکر می‌کند؛ این موضوع اصلاً با وضعیت زمین و افرادش متناسب نیست؛ در حالی که اگر آدم و حوا هنگام معصیت در بهشت دنیوی در آسمان اول بودند، طبیعی است که بدی‌هایشان هنگام معصیت برایشان آشکار شود و نه پیش از آن؛ به این خاطر که لباسی که عورت و زشتی را در آن جا می‌پوشاند، همان لباس تقوا است و لباسی است که نفس، در اثر نتیجه‌ی طبیعی اطاعت از خداوند و مخالفت با هوای (نفس) و شیطان می‌پوشد. و لباس تقوا از لباس جسد، مهم‌تر و برتر است؛ به این خاطر که خداوند به نفس و روح انسان و آنچه می‌پوشد، نگاه می‌کند، نه به جسد انسان و آنچه، آن را می‌پوشاند. «ای فرزندان آدم، در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است و [لی] بهترین جامه [لباس] تقواست. این از نشانه‌های [قدرت] خداست. باشد که متذکر شوند» ([796]).

و عند المعصية ينزع هذا اللباس وتنكشف عورة الإنسان أمام ربه ([797])، أي إن آدم وحواء (عليهما السلام) كانا يلبسان لباساً منذ البداية في الجنة، كانا يلبسان لباس التقوى ثم نزع عنهما؛ فهما لم يكونا عاريين في البداية وانكشف لهما حالهما الأولي، بل الذي انكشف لهما هو حالهما بعد المعصية ونزع لباس التقوى، (يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ) [الأعراف: 27].

در هنگام معصیت، این لباس از انسان جدا شد و عورت انسان نزد پروردگارش آشکار شد. ([798]) یعنی آدم و حوا (علیهما السلام) از آغاز در بهشت، لباسی که پوشیده بودند، لباس تقوا بود. سپس این لباس از آنها جدا شد. آنان در آغاز برهنه نبودند و چیزی که برایشان آشکار شد، وضعیت اولیه‌ی آنها نبود؛ بلکه آنچه برایشان آشکار شد، وضعیت آنها پس از معصیت و جدا شدن لباس تقوا بود: «ای فرزندان آدم زنه‌ار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباس‌شان را از ایشان برکند، تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت او و قبیله‌اش شما را از آن‌جا که آن‌ها را نمی‌بینید می‌بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند» ([799]).

فالآية واضحة أنّ لباس آدم نزع عنه بسبب معصيته؛ (لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا)، وهذا اللباس عاد بالاستغفار (فَبَدَّتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ).

آیه روشن است که لباس آدم به خاطر معصیتش از او برداشته شد. «ای فرزندان آدم زنه‌ار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباس‌شان را از ایشان برکند، تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان

کند». این لباس با درخواست آمرزش بازگشت: «برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ‌های بهشت بر خود».

والآيات واضحة أن هبوط آدم (عليه السلام) وحواء من الجنة الدنيوية في السماء الأولى إلى الأرض لا يمكن أن يقال إنه هبوط من جنة في هذه الأرض إلى الأرض، (قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)، فهو هبوط من السماء الأولى إلى السماء الجسمانية وإلى الأرض بالخصوص، والإمام الصادق (عليه السلام) بيّن أن آدم طلب الرجوع إلى الجنة التي كان فيها وقد أجابه الله، وهذا يبين بوضوح أنها جنة سيدخلها بعد انفصال نفسه - بالموت - عن هذا الجسد مرة أخرى ويعود كما كان سابقاً.

در این آیات روشن است که هبوط و فرود آمدن آدم و حوا از بهشت دنیوی در آسمان اول، به زمین بوده است، نه فرود آمدن از بهشت زمینی به زمین. «گفتیم: جملگی از آن فرود آید. پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که هدایتم را پیروی کنند، بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد» ([800]). این فرود آمدن از آسمان اول به آسمان جسمانی و به طور خاص به زمین بوده است. امام صادق (ع) بیان می‌کند که آدم درخواست بازگشت به بهشتی را نمود که در آن بود و خداوند او را اجابت کرد. این موضوع به روشنی بیان می‌کند که این بهشتی است که پس از جدا شدن نفس از بدن، با مرگ، بار دیگر به آن وارد می‌شود و مانند قبل به آن باز می‌گردد.

«عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لما طاف آدم (عليه السلام) بالبیت مائة عام ما ينظر إلى حواء، ولقد بكى على الجنة حتى صار على خديه مثل النهرين العجاجين العظيمين من الدموع، ثم أتاه جبرئيل (عليه السلام) فقال: حياك الله وبياك، فلما أن قال: "حياك الله" تبلج وجهه فرحاً وعلم أن الله قد رضي عنه، ولما قال: "وبياك" ضحك ومعنى بياك أضحكك، قال: ولقد قام على باب الكعبة وثيابه جلود الإبل والبقر، فقال: اللهم أقلني عثرتي واغفر لي ذنبي وأعدني إلى الدار التي أخرجتني

منها، فقال الله جل ثناؤه: قد أقلتك عثرتك وغفرت لك ذنبك وسأعيدك إلى الدار التي أخرجتك منها» ([801]).

امام صادق (ع) فرمود: (حضرت آدم یک صد سال به دور خانه‌ی کعبه طواف کرد، و نگاه به حوا نمی نمود، و از فراق بهشت آن قدر گریست که بر دو گونه اش اثری مانند دو نهر بزرگ نمودار شد. آنگاه جبرئیل نزد وی آمد و گفت: «خدا تو را زنده بدارد و خندان گرداند» پس چون به او گفت: «خدا تو را زنده بدارد» اثر شادمانی بر چهره اش نقش بست و دانست که خدا از او خشنود گردیده است، و چون به او گفت: «خندان گرداند» خندید. بر در خانه‌ی کعبه ایستاد، در حالی که لباس‌هایی از پوست شتر و گاو بر تن داشت و گفت: «بارالها از لغزشم درگذر، و گناهم را ببامرز و مرا به جایی که از آن راندى، برگردان». خدای عزوجل فرمود: «از لغزشت درگذشتم، و گناهت را آمرزیدم و به زودی تو را باز می گردانم به آن جا که از آن بیرون راندمت»). ([802])

هذه قصة خلق آدم (عليه السلام) من الطين المرفوع إلى السماء الأولى ونفخ الروح فيه، فأدم خلق في الجنة الدنيوية الموجودة في السماء الأولى ([803])، فنحن سماويون وقد خلقت أنفسنا من الروح المنفوخ في الطين المرفوع لكي يتم امتحاننا في هذه الأرض، وتتمكن الأنفس من التواصل مع الأجسام الأرضية التي ستكون حيز امتحانها في هذا العالم الجسماني المادي.

این است داستان آفرینش آدم (ع) از گلی که به آسمان اول مرفوع شد و روح در آن دمیده شد. بنابراین آدم در بهشت دنیوی واقع در آسمان اول ([804]) آفریده شده است؛ لذا ما آسمانی هستیم و نفس ما نیز از روح دمیده شده در گل مرفوع خلقت یافته است، تا در این زمین مورد آزمایش و امتحان قرار گیریم؛ و از سوی دیگر،

ارواح بتوانند با بدن‌های زمینی که مکان امتحان ما در این عالم جسمانی هستند،  
تلاقی یابند. ([805])

[772]. قصص الأنبياء - الراوندي: ص 41.

[773]. قصص الانبياء، راوندى، ص ۴۱.

[774]. تفسير القمي: ج 1 ص 41.

[775]. قرآن کریم، سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۱۷.

[776]. العهد القديم - سفر التكوين - الأصحاح 1: 26.

[777]. العهد القديم - سفر التكوين - الأصحاح 1: 27.

[778]. عهد قديم، سفر پیدایش، باب ۱، ۲۶.

[779]. عهد قديم، سفر پیدایش، باب ۱، ۲۷.

[780]. الكافي - الكليني: ج 1 ص 134؛ التوحيد - الصدوق: ص 103.

[781]. كافي، كليني، ج ۱، ص ۱۳۴؛ توحيد، صدوق، ص ۱۰۳.

[782]. قرآن کریم، سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۹.

[783]. قرآن کریم، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۱.

[784]. لم يخلق الله نفس حواء باستقلال كما خلق نفس آدم (عليه السلام) وذلك ليكون بينهم مودة ورحمة فتكون المودة  
أو الحب والطاعة موجه من حواء إلى آدم والرحمة موجه من آدم إلى حواء "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا  
إِيَّهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ".

[785]. في مرتبة أعلى يكون المراد الروح الأولى روح محمد (صلى الله عليه وآله) ومنها خلقت مرتبة الروح التي دونها وهي  
روح علي وفاطمة (عليهما السلام).

[786]. نفس حوا به طور مستقل، آن طور که نفس آدم (ع)، آفریده شده بود، آفریده نشد و این موضوع به این دلیل  
بود که بین آنان دوستی و مهربانی باشد. دوست داشتن و اطاعت، از حوا به آدم می‌باشد و مهربانی از آدم به حوا  
می‌باشد: ((و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید، تا به آن‌ها آرام گیرید و میان‌تان  
دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است)) (روم، ۲۱).

[787]. قرآن کریم، سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱.

[788]. در بالاترین مرتبه روح اول، روح محمد ص است و از اوست که روح‌های پایین‌تر آفریده شده است که  
همان روح علی و فاطمه (س) می‌باشد.

[789]. قصص الأنبياء - الراوندي: ص 42.

[790]. قصص الانبياء، راوندي، ص 42.

[791]. قرآن کریم، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی 172.

[792]. قرآن کریم، سوره‌ی طه، آیه‌ی 121.

[793]. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی 35.

[794]. قرآن کریم، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی 19.

[795]. قرآن کریم، سوره‌ی طه، آیات 117 تا 121.

[796]. قرآن کریم، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی 26.

[797]. أي إنسان وليس آدم فقط، فتراه الملائكة عار من التقوى وتعرف أنه عاصي، لهذا اهتم آدم وحواء بما حصل فهو على أقل تقدير أمر مخجل أن يصدر من آدم معلم الملائكة، ولهذا أخذ يستغفر ليرجع له لباس التقوى "فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ".

[798]. یعنی انسان و نه فقط آدم. فرشتگان او را عاری از تقوا می‌دیدند و می‌دانستند که معصیت کار است. به همین دلیل آدم و حوا در اتفاقی که افتاد، شروع به جبران نمودند. چرا که این موضوع حداقل موضوع خجالت‌آوری است که از آدم معلم فرشتگان اتفاق می‌افتد؛ و به همین خاطر شروع به درخواست آمرزش نمود تا لباس تقوا به او باز گردد: ((برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ‌های بهشت بر خود)).

[799]. قرآن کریم، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی 27.

[800]. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی 38.

[801]. معانی الأخبار - الصدوق: ص 269.

[802]. معانی الاخبار، صدوق، ص 269.

[803]. السماء الدنيا تتكون من جزئين أو مرتبتين وهما: السماء الجسمانية وهي هذه السماء المادية الجسمانية التي فيها المجرات والشموس والأقمار والأرض التي نعيش فيها، والسماء الأولى وهي سماء الأنفس، وفيها خلق آدم، وفيها الجنة الدنيوية التي وضع فيها آدم وحواء أول خلقهما قبل أن ينزلا إلى الأرض بعد المعصية، والسماء الأولى هي نفسها سماء عالم الذر.

[804]. آسمان دنیا از دو بخش یا دو طبقه تشکیل شده است که عبارتند از آسمان جسمانی و آسمان اول.

آسمان جسمانی همین آسمان مادی عینی است که کهکشان‌ها، خورشیدها، ماه‌ها و زمینی که بر آن زندگی می‌کنیم، در آن قرار دارد.

آسمان اول، آسمان نفس‌هاست که آدم در آن خلق شده است و بهشت دنیوی، که آدم و حوا در ابتدای آفرینش‌شان و پیش از آن‌که با صدور معصیت به زمین پایین بیایند در آن استقرار داشته‌اند، در آن‌جا واقع گشته است. آسمان اول همان آسمان عالم ذر است.

[805]. به نقل از کتاب «توهم الحاد»